

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سلسله عقیده اسلامی ۲



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على  
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و  
اما بعد :

یکی از مظاهر ایمان به الله تعالی اینست که برای وی شرک  
قائل نشوی بدین معنی که نه در خالقیت وی و نه در  
عبودیت وی و نه در صفات و اسمهای وی شریکی برایش  
نیایی و قرار ندهی.

این سه مورد را توحید گویند. و به ترتیب بدانها توحید  
ربوبیت که مربوط به خلق کردن الله تعالی است بدین معنی  
که نباید علاوه بر الله تعالی کسی دیگر را نیز خالق هستی  
بپنداری، و دومی توحید در عبادت است که بدان توحید  
الوهیت گویند؛ یعنی نباید علاوه بر الله از کسی دیگر طلب  
حاجات کنی و یا مخلوقی را هر چند بزرگوار باشد را به  
فریاد بخوانی و او را بین خود و خدا واسطه قرار دهی، و نیز  
سومی را توحید در اسماء و صفات گویند بدین معنی که  
نباید هیچکس را در اسمها و صفتهای خداوند شریک  
گردانی.

به طور خلاصه ایمان به الله مستلزم رعایت سه توحید است:

- ۱ - توحید ربوبیت
- ۲ - توحید الوهیت
- ۳ - توحید اسماء و صفات

## توحید ربوبیت چیست؟ تعریف آن:

أ. از نظر لغت: الربوبیة مصدر فعل رب است و الرب از آن  
است پس ربوبیت صفت الله است و از اسم الرب گرفته  
شده و رب در کلام عرب بر معنایی اطلاق می شود:  
از آن جمله به معنی مالک و سرور اطاعت شده و  
اصلاح گر می باشد.

ب. اما در اصطلاح توحید ربوبیت یعنی تنها ساختن الله در  
افعالش می باشد. که از آن جمله خلق کردن، روزی  
دادن، فرمانروایی کردن، انعام دادن، مالک بودن، به  
تصویر کشیدن، بخشیدن و منع کردن، نفع و ضرر  
رساندن، زنده گردانیدن و میراندن، و تدبیر محکم و  
تغییر ناپذیر، قضا و قدر و چیزهای دیگر از افعالش که  
در آن برای او شریکی نیست، می باشد. از این رو بر  
بنده واجب است که به تمام آنها ایمان داشته باشد.

## دلایل آن:

**(الف) از کتاب: الله تعالی می فرماید:** ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ  
بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا ۖ وَالْأَرْضَ رَوْسَى ۚ أَنْ تَعْبُدَ بِكُمْ  
وَبَتْ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۚ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا  
مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ ﴿١٠﴾ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا  
خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۚ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١١﴾

(لقمان ۱۰-۱۱).

«آسمانها را بدون هیچ ستونی که آن را ببیند خلق کرد و در زمین کوههای استوار بیفکند تا [مبادا زمین] شما را بجنباند و در آن از هرگونه جنبنده ای پراکنده گردانید، و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع نیکو در آن رویانیدیم. این خلق خداوند است. به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده اند؟ بلکه ستمگران در گمراهی آشکاری هستند» و می فرماید: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ» (طور ۳۵) «آیا از هیچ خلق شدند یا خودشان، خالق خود هستند».

**(ب) از سنت:** امام احمد و ابوداود از حدیث عبدالله بن شخیرت بصورت مرفوع روایت می کنند که |السید الله تبارک و تعالی .. |«مالک، الله تبارک و تعالی است ...» و از ترمذی و دیگران از پیامبر ج ثابت است که در وصیتش به ابن عباسی می فرماید: |وَأَعْلَمُ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَيْ أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رَفَعَتِ الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ| ترمذی (۲۵۱۶) «بدان اگر تمام مردم جمع شوند تا به وسیله چیزی به تو نفعی برسانند نمی توانند مگر اینکه خداوند برای تو نوشته باشد، و اگر جمع شوند تا به وسیله چیزی به تو ضرر برسانند نمی توانند مگر اینکه خداوند بر تو آن را نوشته باشد. قلم ها برداشته شده و مصحفها خشک شده اند».

**(ج) دلیل عقلی:** عقل به وسیله دوراندیشی و تفکر در آیات و نشانه های پروردگار بر وجود الله تعالی و تنها بودن

او در ربوبیت و کمال قدرتش بر مخلوقات و مسلط شدن بر آنها دست می یابد. دوراندیشی در آیات و نشانه های متنوع، منجر به قبول ربوبیت پروردگار می شود که مشهورترین آنها دو راه است:

**راه اول:** دوراندیشی در آیات و نشانه های پروردگار در خلقت وجود انسان که با نام دلایل انفس شناخته می شود. وجود انسان نشانه ای از نشانه های عظیم پروردگار است که بر تنها بودن الله تعالی در ربوبیت که شریکی برای او نیست دلالت دارد همانگونه که الله تعالی می فرماید: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات ۲۱) «و در نفسهای شما [نشانه است] آیا نمی نگرید؟» و می فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا» (شمس ۷) «و سوگند به نفس و آنکه آن را درست کرد». و برای این اگر انسان درست در وجود خود و آنچه در آن از چیزهای شگفت انگیز که خداوند درست کرده است، بنگرد، به این نتیجه می رسد که برای او پروردگاری که خالق، حکیم و خبیر است، وجود دارد. وقتی انسان نمی تواند نطفه را خلق کند آیا می تواند آن را به خون بسته یا خون بسته را به گوشت یا گوشت را به استخوان تبدیل کند یا بر روی استخوان پوست بیاندازد؟

**راه دوم:** دوراندیشی در نشانه های خداوند در خلقت جهان هستی که به دلایل آفاق شناخته می شود. و این همچنین نشانه ای از نشانه های عظیم پروردگار است که بر ربوبیتش تأکید دارد. الله تعالی می فرماید: «سُرِّيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي

الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت ۵۳). «به زودی نشانه های خود را در جهان هستی و وجودشان به آنها می نمایانیم تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگار تو بر هر چیزی شاهد است؟» با تأمل و اندیشه کردن در جهان هستی و آنچه در این جهان از آنچه بر آسمان از ستارگان، خورشید و ماه و بر زمین از کوهها، درختان، دریاها و رودها است و آنچه از شب و روز که آن را در برمی گیرد و اینکه تمام این جهان با این نظام دقیق در حرکت است دلالت دارد بر اینکه این جهان خالقی دارد؛ بوجود آورنده ای تدبیر کننده کار و بار آن است. هر زمان که انسان عاقل در این مخلوقات می اندیشد و بصورت عمقی در شگفتی های آفرینش به تفکر می پردازد برایش روشن می شود که آن برای حق و به حق خلق شده است و اینها صفحاتی از آیات پروردگارند. و برهان و دلایل بر تمام آنچه به وسیله آن خداوند از خودش خبر داده بر وحدانیت او دلالت دارد.

در آثار آمده که دسته ای خواستند با امام ابوحنیفه در مورد بیان توحید ربوبیت بحث کنند. امام ابوحنیفه/ به آنها فرمود: "أخبروني قبل أن نتكلم في هذه المسألة

عن سفينة في دجلة تذهب فتمتلئ من الطعام وغيره بنفسها وتعود بنفسها، فترسو بنفسها وترجع، كل ذلك من غير أن يدبرها أحد؟ فقالوا: "هذا محال لا يمكن أبدا. فقال لهم: إذا كان هذا محالا في سفينة فكيف في هذا العالم كله علوه وسفله؟" «قبل از اینکه در باره این مسئله صحبت کنیم از کشتی که در دجله روان است و خود

به خود پر از طعام و چیزهای دیگر می شود و خود به خود خالی می گردد. خود به خود لنگر می اندازد و دوباره آن را جمع می کند و تمام آن بدون اینکه کسی در آن دخالت داشته باشد روی می دهد، خبر دهید؟ گفتند: این محال است و هرگز ممکن نیست. پس به ایشان گفت: هنگامی که این در مورد کشتی ای محال باشد پس چگونه در مورد این جهان هستی با این آسمان و زمین درست می باشد؟ پس آنان را آگاه گردانید که این نظم عالم و دقت و توجه در درست کردن و بدون عیب و نقص خلقتش دلیلی بر وحدانیت خالق آن است.

### بیان اینکه اقرار کردن به توحید ربوبیت به تنهایی باعث نجات از عذاب نمی شود؛

یکی از مراتب توحید سه گانه، توحید ربوبیت است. ایمان فرد صحیح و توحید در او تحقق پیدا نمی کند مگر اینکه خداوند را در ربوبیتش به تنهایی بپذیرد ولی باید دانست که هدف از فرستادن پیامبران علیهم السلام این نوع از توحید نبوده است و به تنهایی ایمان به این نوع توحید باعث نجات کسی از عذاب خداوند نمی شود مگر اینکه همراه آن بنده توحید الوهیت را نیز بجای آورد.

برای همین الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (یوسف ۱۰۶). یعنی اینکه: بیشترشان به خداوند به عنوان رب، خالق، روزی دهنده، تدبیر کننده و تمام آنچه مربوط به توحید ربوبیت است اقرار دارند اما در عین حال همراه خداوند در عبادتش غیر او از بتها که هیچ نفع و ضرری ندارند و نمی توانند چیزی ببخشند یا از چیزی

ممانعت به عمل آورند شریک قرار می دهند. و مفسران از صحابه و تابعین این آیه را بدینگونه تفسیر کرده اند. ابن عباس در تفسیر این آیه می فرماید: "من ایمانهم إذا قيل لهم من خلق السماء، ومن خلق الأرض ومن خلق الجبال؟ قالوا: الله وهم مشركون" (از جمله ایمانشان این بود هنگامی که به ایشان گفته شود چه کسی آسمان، زمین و کوهها را خلق کرده است؟ می گفتند: الله و در عین حال برای او شریک قرار می دادند).

عکرمه می گوید: "تسألهم من خلقهم ومن خلق السماوات والأرض فيقولون الله فذلك إيمانهم بالله، وهم يعبدون غيره" (اگر از ایشان سؤال کنید چه کسی خود آنها، آسمانها و زمین را خلق کرده است؟

جواب می دهند: الله. با اینکه به الله ایمان داشتند همراه او چیزهای دیگری را هم عبادت می کردند).

مجاهد می گوید: "إيمانهم قولهم: الله خالقنا وبرزقنا ويميتنا فهذا إيمان مع شرك عبادتهم غيره" (ایمانشان این بود که می گفتند: خداوند خالق، روزی دهنده ماست و مُردن ما به دست اوست. به این ایمان داشتند همراه با اینکه در عبادتشان غیر او را شریک می کردند).

عبدالرحمن بن زید بن اسلم بن زید می گوید: "ليس أحد يعبد مع الله غيره إلا وهو مؤمن بالله ويعرف أن الله ربه، وأن الله خالقه ورازقه، وهو يشرك به، ألا ترى كيف قال إبراهيم : ﴿قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾" (شعراء: ۷۵-۷۷). «هیچ کس

نیست که همراه خداوند غیر او را عبادت کنند مگر اینکه او به خداوند ایمان دارد و می داند که خداوند، پروردگار، خالق و روزی دهنده اوست در همان حال برای او شریک قرار می دهد. آیا نمی بینی ابراهیم به آنها چه گفت: گفت: آیا در آنچه می پرستید نمی اندیشید؟ شما و پدرانتان؟ همه آنها جز پروردگار جهانیان دشمن من هستند».

نصوص وارده از سلف در این باره بسیار است. مشرکان زمان پیامبر ج به خداوند به عنوان، رب، خالق، روزی دهنده و تدبیر کننده اقرار می کردند اما شرکشان از جهت عبادت بود از آنجا که همتا و شریکانی برای او برمی گرفتند؛ به وسیله آنها برای رفع نیاز و خواسته هایشان طلب درخواست و فریادری می نمودند.

قرآن در جاهای متعددی بر اقرار مشرکین به ربوبیت خداوند همراه با شریک قراردادنش برای او در عبادت دلالت دارد.

که از آن جمله الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (عنکبوت ۶۱) «اگر از آنها پرسی که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟ زودا خواهند گفت: الله. پس چگونه باز گردانیده می شوند؟» و می فرماید: ﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (عنکبوت ۶۳) «و اگر از آنها پرسی چه کسی از آسمان آبی



فرو می فرستد و به وسیله آن زمین را بعد از مرگش زنده گردانیده است؟ زودا خواهند گفت: الله. بگو حمد و ستایش برای الله است بلکه بیشترشان نمی اندیشند؟» و می فرماید:

﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مِّنْ خَلْقِهِمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾

(زخرف ۸۷). «و اگر از ایشان سؤال کنی چه کسی آنها را

خلق کرده است؟ زودا خواهند گفت: الله. پس چگونه

بازگردانیده می شوند؟» و می فرماید: ﴿قُلْ لِّمَنِ الْأَرْضُ

وَمَن فِيهَا إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

﴿قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَوَاتِ السَّعِ وَرَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾

﴿قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا

تُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنْتُمْ تَعْمُونَ﴾

﴿فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾ (مؤمنون ۸۴-۸۹). «بگو زمین و آنچه

در آن است متعلق به کیست اگر می دانید؟ خواهند گفت: به

خداوند تعلق دارد. بگو آیا متذکر نمی گردید؟ بگو

پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش عظیم

کیست؟ خواهند گفت: خداوند است. بگو آیا پرهیزگاری

نمی کنید؟ بگو فرمانروایی هرچیزی به دست کیست؟ در

حالیکه او پناه می دهد و در پناه کسی نمی رود اگر می

دانید؟ خواهند گفت: الله. بگو پس چگونه دستخوش افسون

شده اید؟»

مشرکین به این اعتقاد نداشتند که بتها باران می بارانند،

روزی دنیا به دست بتهاست و کار و بار آنها را تدبیر می

کنند بلکه معتقد بودند آن از خصوصیات خداوند پاک و منزّه است و اقرار می کردند که بتهایی که غیر از الله از آنها درخواست می کنند مخلوقی هستند که مالک خود نیستند و

نمی توانند بطور مستقل ضرری را دفع یا نفعی را برسانند و

نمی توانند کسی را بمیرانند، زنده کنند و برانگیزند و نمی

شنوند و نمی بینند و معتقد بودند که خداوند در این چیزها

شریکی ندارد و خداوند خالق است و جز او همگی مخلوقات

و او رب و غیر او همه بنده هستند جز اینکه از مخلوقات

شرکاء و اسبابی قرار می دادند تا به گمان خود برای آنها نزد

خداوند شفاعت کنند و آنها را به خداوند نزدیک گردانند. و

برای همین است که الله تعالی می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ

دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ﴾

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى

اللَّهِ زُلْفَىٰ﴾ (زمر ۳). یعنی: برای آنها نزد خداوند در پیروزی،

روزی دادن و آنچه مربوط به امور دنیاست، شفاعت کنند.

با این اقرار تمامی مشرکین برای خداوند ربوبیت را قائل

بودند اما این اعتقاد آنها را داخل در اسلام نکرد بلکه

خداوند در موردشان حکم به مشرک بودن، کافر بودن کرد

و به ایشان وعده آتش و ماندگار بودن در آن را داد و رسول

الله صلی الله علیه وسلم خون و مالشان را مباح کرد زیرا

لازمه توحید ربوبیت که توحید الله در عبادت بود را محقق

نکرده بودند زیرا آنها بتها را که نمادی از اولیای صالح بودند

را واسطه ی بین خود و خدا کرده بودند و همین واسطه

موجب شده بود که به رغم اینکه آنها به وجود الله اعتقاد

داشتند و او را تنها خالق و روزی دهنده می دانستند، مشرک خطاب شوند و هر چند که آنها برای واسطه قرار دادن بتها دلیل می آوردند، باز الله تعالی آنها را مشرک خطاب نمود

تا زمانیکه از واسطه دست بردارند و مستقیماً خدای خویش

را بفریاد و طلب حاجات خویش بخوانند.

شفاعت خواستن از مردگان حال در هر مقام و منزلتی که

باشد شرک است و مشرکان عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم

نیز به بتهای خویش پناه می جستند و آنها را شفیع خود نزد

الله قرار می دادند و این درحالی بود که آنها آن بتها را

بعنوان نماد و تجسمی از اولیای صالح قوم خویش قرار داده

بودند و هرگز چنین نمی پنداشتند که آن بتهای سنگی یا

چوبی خالق آنها یا دیگر مخلوقات است،

چنانکه خداوند از آنها نقل می کند:

﴿قُلْ مَن يَرْفُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ

وَالْأَبْصَرَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ

مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدْبِرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا

تَتَّقُونَ﴾ (یونس ۳۱)

«بگو چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد یا

کسیست که بر چشمها و گوشها حاکم است؟ و کسیست که

زنده را از مرده و مرده را از زنده برمی انگیزد و کسیست که

کار [جهان] را تدبیر می کند، زودا که خواهند گفت: الله؟

بگو پس چرا پروا نمی کنید»

و این آیه اثبات توحید ربوبیت برای مشرکان است، یعنی

آنها کسی را جز الله خالق نمی دانستند و برخلاف تصور

عمومی هرگز چنین نمی پنداشتند که این بتهای سنگی خالق

یا خدا هستند بلکه بتها در حقیقت نماینده ی افراد صالحی بودند که در قوم آنها می زیستند ولی بعدها فوت کرده و آنها برای زنده نگه داشتن یاد آنها و قراردادنشان بعنوان واسطه بین خود و خدا، مجسمه هایشان را ساختند. و تنها دلیلی برای توجیه شرک خود داشتند این بود که می گفتند: ما آن بتها را عبادت نمی کنیم بلکه فقط آنها را شفیع و واسطه ی بین خود و الله قرار می دهیم تا نزد الله برای ما شفاعت کنند!!

چنانکه قرآن از آنها نقل می کند:

﴿ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ ﴾ (الزمر ۳)

دلیلشان این بود که: «اینها را نمی پرستیم جز اینکه ما را به خداوند نزدیک می کنند»

﴿ وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ﴾ (یونس ۱۸)

و می گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!»

پس مشرکان عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز همین توجیهات را می آوردند و این درحالی بود که آنها از اولیاء و صالحان قوم خویش مجسمه هایی ساخته بودند که بت نامیده می شدند و آنها هرگز آن مجسمه های بیجان را واسطه نمی کردند بلکه در حقیقت اولیاء را واسطه می کردند زیرا آن مجسمه ها تمثیلی از اولیاء و صالحانشان بودند.

با این توضیح روشن و آشکار گردید که اقرار به توحید ربوبیت به تنهایی بدون ملازمت با توحید الوهیت کافی نیست و شخص را از عذاب خداوند نمی رهااند، بلکه آن حجتی آشکار بر انسان است که دین را برای خداوند خالص

گرداند و برای او شریکی قرار ندهد و آن مستلزم تنها ساختن خداوند در عبادت است. پس هنگامی که آن را بجا نیارود او کافر است و خون و مالش حلال می باشد.

### مظاهر انحراف در توحید ربوبیت:

به رغم اینکه توحید ربوبیت امری ثابت شده در فطرت است، و سرشت آدمی بر آن تأکید و دلایل فراوانی بر آن وجود دارد اما گاه در انسان انحراف از آن ایجاد می شود که در ذیل خلاصه ای از مظاهر انحراف از توحید ربوبیت را بیان می داریم:

۱. بی اعتقاد بودن نسبت به ربوبیت خداوند و انکار وجود او همانگونه که ملحدان، کسانی که به وجود آمدن این مخلوقات را به طبیعت یا به دگردگونی شب و روز یا مانند اینها نسبت می دهند. خداوند از زبان آنها می فرماید: ﴿ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ ﴾ (جاثیه ۲۴). «و گفتند جز زندگی دنیا زندگی دیگری نیست می میریم و زنده می شویم و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند».

۲. انکار بعضی از خصوصیات و ویژگیهای پروردگار سبحان و انکار بعضی از معانی ربوبیتش مانند اینکه قدرت و توانایی

خداوند را بر مردن و زنده گردانیدن بعد از مرگ یا نفع رسانی و دفع ضرر و زیان یا مانند اینها را از او نفی می کنند.

۳. چیزی از خصوصیات و ویژگیهای پروردگار را به غیر او می دهند. هر کس معتقد به وجود تصرف همراه خداوند عزوجل در چیزی از تدابیر جهان، از به وجود آوردن، نابود کردن، زنده گردانیدن، میراندن، جلب خیر و نیکی یا دفع شر و بدی یا چیزهای دیگر از معانی ربوبیت کند او به خداوند عظیم و بزرگ مشرک شده است.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله  
وصحبه أجمعین.  
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.